

صاد

نشریه فرهنگی اجتماعی

سال اول - شماره دوم

تیر ۱۳۹۷

بررسی یک معضل تشکیلاتی
تشکلیسم

صاد بررسی می کند
پشت پرده شبکه های ماهواره ای

نگاهی متفاوت به خندوانه و کودک شو
شروعی کوچک برای ترویج هدفی بزرگ

خصوصیت دانشگاه تراز از منظر رهبر انقلاب
جریان علمی و جریان آرمانگرایی

سبک زندگی غربی یا سبک زندگی اسلامی



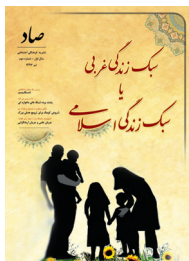


شاه کلید

جوانی به آقای نخودکی فرمودند می خواهیم
اولا ازدواج خوب داشته باشیم
دوما کارم برکت داشته باشد
سوما عاقبت به خیر شوم
آقای نخودکی فرمودند: برای ازدواج نماز اول وقت بخوان،
برای برکت در کار نماز اول وقت بخوان، برای عاقبت به خیر شدن هم نماز اول وقت بخوان.
جوان گفت : من سه کلید خواستم، این فقط یک کلید است.
آیت الله فرمودند: نماز اول وقت شاه کلید است نه کلید.

صاد

صبح آزاد دانشگاه
نشریه فرهنگی اجتماعی



سال اول - شماره ۲
تیرماه ۱۳۹۷

شماره مجوز:
دم ف/۱۹۶۹

صاحب امتیاز:
کانون جوانان خواندیش

مدیرمسئول و سردبیر:
سجاد شادمان

هیئت تحریریه:
سجاد شادمان، محسن عبدالهی خلج
داود بیات، مهدی عندلیبی
شایان جلیلی، علی اصغر صحرایی
میثم تاج آبادی، سعید اسدی
حمیدرضا کاربین، محمد باقری
میلاد یزدیان، حمید صیفوری

صفحه آرایی:
محسن عبدالهی خلج

گرافیک هنری:
علی شاهوردی

نشانی:
قم، پردیسان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرمقاله

انگار خبری نیست که نیست ... ۱/

زندگی

سبک زندگی غربی یا سبک زندگی اسلامی؟! ۳/

چاره مصرف گرایی؛ نه زیاده روی، نه ممنوعیت! ۴/

علل فرار جوانان از ازدواج ۵/

فرهنگ

تشکیسیم ۷/

۱۵ اصل در کار گروهی ۸/

تشکیلات نمونه ۹/

اشکال کجاست؟! ۱۰/

رسانه

پشت پرده شبکه های ماهواره ای ۱۲/

تأملی بر سرویس جدید اینستاگرام ۱۳/

شروعی کوچک برای ترویج هدفی بزرگ ۱۴/

دانشگاه

جریان علمی و جریان آرمانگرایی ۱۶/

رویای دانشجوی امروز ۱۸/

جوان و کار ۱۸/

انگار خبری نیست که نیست...

سرمقاله

* سجاد شادمان

مدیرمسئول

اطرافت را که نگاه میکنی، انگار خبری نیست، انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده و نمی افتد، زندگی هایمان بدون دغدغه هایی از جنس اجتماعی و فرهنگی و سیاسی می گذرد اما در کنار این بی تفاوتی ها؛ اطراف ما انواع و اقسامی از تبلیغات و اتفاقات کوچک و بزرگ سیاسی و فرهنگی و مخصوصا اقتصادی در حال رخ دادن است که توجه نکردن به آنها موجب عقب ماندگی و پیشرفت نکردن و حتی انتخاب اشتباه در مواقع حساس می شود. در واقع حکایت این مثال معروف است که می گوید: «فرض کنید همه ی ما در یک کشتی هستیم وقتی یک نفر در حال سوراخ کردن کشتی است و ما صحنه را می بینیم بگوییم که ارتباطی به ما ندارد، کشتی خودش مسئول داره و یا بگوییم که...» ولی غافل از اینکه ما با این توجیهات در حال فراهم کردن زمینه ی غرق شدن خودمان و همه ی افراد حاضر در این کشتی هستیم.

جامعه را که نگاه می کنی مردم یکجور مشغول و بی تفاوت هستند و در دانشگاه هم به شکل دیگری، اصلا انگار همه چی آرومه. دوران دبیرستان یادم هست که فقط درس میخواندیم، می رفتیم و می آمدیم، کاری هم به هیچی نداشتیم؛ اصلا انگار برایمان فرق دانشگاه و دبیرستان فقط در اجباری نبودن لباس فرم شده!!!

اما داستان این نیست. از روزی که آمدیم دانشگاه و اسم دانشجو را یدک می کشیم، رسالتان آغاز شده؛ رسالتان ساختن است، رسالتان دانستن است، خواستن است، مطالبه کردن است و البته رسیدن است، باید از همینجا شروع کنیم. این قطعه ی کوچک از ایران عزیزمان را اگر نتوانیم بسازیم پس مطمئن باشیم که فردا هم خبری از ساختن نیست. باید شروع کنیم همه با هم، علم، فرهنگ، اخلاق، ادب و سیاست را در دانشگاه بسازیم نه آنکه فقط دست روی دست بگذاریم و مشکلات و کمبود ها را گردن بقیه بیندازیم و یا با گذاشتن یک نون کنار افعال، بگوییم: نمی شود و نمی توانیم. اگر همت کنیم و توکل داشته باشیم قطعا می توانیم. ما تجربه ی ارزشمند دفاع مقدس و پیشرفت های متنوع در حوزه های مختلف با دستان خالی را در کارنامه داریم، پس اگر تصمیمی را در صحنه های اجتماعی و دانشگاهی داشته باشیم انشاالله به سرانجام می رسانیم.

اگر به پشت سر نگاهی همراه با عبرت داشته باشیم، به انتخاب های اشتباهمان فکر کنیم، به هدف گذاری های اشتباه، تصمیمات اشتباه و از آنها درس بگیریم نباید به آینده اجازه بدهیم تا اینگونه ما را پشیمان کند، ترم ها از پی هم می گذرند اما دیر نشده پس با هم شروع می کنیم، ما تصمیم گرفتیم و دست به کار شدیم، آمده ایم تا فضا را به نفع دانشجو و اندیشه ی آزاد دانشجویی تغییر دهیم، آمده ایم تا فکر و قلم دانشجویان عزیز دانشگاهمان را به گوش همه برسانیم، آمده ایم تا با همه ی شما دانشجویان عزیز وضعیت بی تفاوتی موجود را به نفع دانشجویان تغییر دهیم.

اما از امروز با کمک همه ی دانشجویان عزیز دختر و پسر، برگی جدید در فضای دانشگاه رقم خواهیم زد. این نشریه از دانشجو و برای دانشجو است، بدون تعلق مادی و معنوی به هیچ تشکلی از دانشگاه، این نشریه تربیونی است دانشجویی برای بیان مشکلات دانشگاه و دانشجو، از پارکینگ و سلف، از آموزش و فرهنگ تا آنچه در فضای عمومی جامعه از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و می گذرد و باید از آن مطلع باشیم تا کشتی اجتماع ما توسط عده ای سوراخ نشود.



گزارش

سبک زندگی غربی یا سبک زندگی اسلامی؟!

گزارش

علل فرار جوانان از ازدواج

یادداشت

چاره مصرف گرایی؛ نه زیاده روی، نه ممنوعیت!

زندگی

به این دو دیدگاه دور و نزدیک می‌شوند، اما آنچه نقطه صفر و بیست در این حوزه است، همین جهان‌بینی مادی و جهان‌بینی الهی است که خروجی‌های آنها به ترتیب سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی است.

• شاخص‌های تاثیرگذار بر سبک زندگی

در مجموع می‌توان برخی از مهم‌ترین شاخص‌های سبک زندگی را در موارد زیر برشمرد:

- روابط و رفتارهای اجتماعی: تعامل همسران، تعامل والدین با فرزندان، تعامل افراد با یکدیگر در جامعه، میزان ازدواج و طلاق، روابط نامحرم در جامعه؛
- الگوهای معماری شهرسازی: فضای خانه، فضای محله، فضای شهری، فضای روستایی؛

- مدگرایی و پوشش: میزان گرایش به مد، اهمیت مد در زندگی، معیار اصلی در انتخاب پوشش، اهمیت و نوع آرایش مورد نظر؛

- مصارف فرهنگی: میزان استفاده و مراجعه به سینما و تئاتر، میزان استفاده از ماهواره و اینترنت، محتوای موسیقی‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، محتوای فیلم‌های سینمایی؛

- تغذیه: میزان مراجعه به رستوران، نوع رستوران‌های مورد استفاده، نوع غذاهای مورد استفاده در منزل؛

- کالاهای مصرفی: میزان استفاده از کالاهای لوکس، اولویت‌های مورد نظر در انتخاب کالاهای مصرفی؛

- رسانه‌ها: نوع و شیوه تبلیغ گسترده کالاهای خدمات در رسانه‌ها و نوع کالاهای مورد تبلیغ واقع شده رسانه برگزیده و مورد اعتماد در تبلیغ کالاهای رسانه برگزیده و مورد اعتماد در کسب اخبار و اطلاعات؛

- ارزش‌ها: میزان توجه به ارزش‌های اسلامی، الگوی شخصیت مورد نظر و مورد تایید (دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی، هنری)، میزان توجه به فرائض دینی، میزان اعتقاد به حرام و حلال، میزان توجه به ارزش‌های دینی به عنوان مبنای اخلاق و سلوک اجتماعی، میزان اهمیت عبادت خالق و خدمت به خلق، میزان توجه به روحیه گذشت و صداقت؛

تمام دیدگاه‌ها حول موضوع سبک زندگی را ذیل این دو دیدگاه (جهان‌بینی مادی و جهان‌بینی الهی) جمع‌آوری کرد. دو دیدگاهی که در تضاد و تقابل با یکدیگر هستند؛ به‌طوری که اثبات و پذیرش یکی، ناخودآگاه مساوی و ملزم با نفی دیگری خواهد بود. چنان‌که مناقشه اصلی در دوران جنگ سرد نیز تا اندازه زیادی ناظر به تلاش ایالات متحده برای نفوذ سبک زندگی آمریکایی به جامعه شوروی بود. اکنون نیز سبک زندگی غرب همچنان همان ادعا را نسبت به سایر فرهنگ‌ها دارد.

- نام‌گذاری: نام‌های مورد علاقه (ایرانی، خارجی و اسلامی)، بیشترین نام‌های مورد استفاده، میزان رضایت از نام و علت نام‌گذاری؛
- شغل، تحصیلات و میزان درآمد: سطح تحصیلات، تناسب تحصیلات و شغل، میزان تاثیر بر انتخاب

نگاهی به راه حل کاهش مشکلات و آسیب‌ها در جامعه

سبک زندگی غربی یا سبک زندگی اسلامی؟!

گزارش سجاد شادمان - دانشجوی کارشناسی عمران

نگاه به زندگی و سبک زندگی، پایه و اساس زندگی اجتماعی است که اگر به درستی در کشور احیا شود امنیت روانی و امنیت اجتماعی را در بر خواهد داشت. مشکلات اجتماعی و فرهنگی حکایت در این دارد که باید در ادبیات و آموزه‌های فرهنگی بازنگری مجدد داشته باشیم تا در پرتو آن بتوانیم معضلات نهادینه شده در کشور را شناسایی و در صدد حل آن بر آییم. با توجه به آنچه که تاکنون در سیر تاریخی کشور رخ داده باید به این نکته تکیه داشت که نهادینه شدن هرگونه برنامه عملی برای زندگی نیازمند بررسی دقیق و مورد توجه قرار دادن تمام جوانب امر است که این موضوع به صورت اجمالی در ادامه بررسی خواهد شد.

زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. هم‌چنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده است.

• انواع سبک زندگی

سبک زندگی برآیند ارزش‌های درونی شده فرد است؛ مجموعه‌ای از ارزش‌ها در فرد درونی می‌شود و فرد را ناگزیر می‌کند که به آن شیوه زندگی کند. بنابراین با توجه به این‌که مختصات فکری و ارزش‌های درونی شده افراد باهم متفاوت‌اند، سبک‌های مختلفی نیز برای زندگی وجود دارد. با توجه به بازار رقابت سخت بین هویت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌های معاصر، جدال اصلی بین آنها را می‌توان بر سر القا یا تثبیت سبک زندگی خاص هریک از آن‌ها در جوامع خودی و پیرامونی‌شان دانست. چنان‌که مناقشه اصلی در دوران جنگ سرد نیز تا اندازه زیادی ناظر به تلاش ایالات متحده برای نفوذ سبک زندگی آمریکایی به جامعه شوروی بود. اکنون نیز سبک زندگی غرب همچنان همان ادعا را نسبت به سایر فرهنگ‌ها دارد و این مناقشه را در جغرافیای غرب و خارج از آن نیز در پیش گرفته است. در کنار این جریان قوی که مبتنی بر فرهنگ غربی و جهان‌بینی مادی است، در دیگر جوامع نیز سبک‌های زندگی خاص رایج است. در جامعه ایرانی نیز چندین الگو یا سبک زندگی شناسایی شده است که مهم‌ترین آن‌ها سبک زندگی اسلامی (دینی) و مبتنی بر جهان‌بینی الهی است. شاید در شکل تفصیلی بتوان تمام دیدگاه‌ها حول موضوع سبک زندگی را ذیل این دو دیدگاه (جهان‌بینی مادی و جهان‌بینی الهی) جمع‌آوری کرد. دو دیدگاهی که در تضاد و تقابل با یکدیگر هستند؛ به‌طوری که اثبات و پذیرش یکی، ناخودآگاه مساوی و ملزم با نفی دیگری خواهد بود. اندیشه‌ها و نظرگاه‌های دیگر در این زمینه برحسب میزان برخورداری از شاخصه‌های هر کدام از این دو دیدگاه با درجه‌ای از شدت و ضعف،

«هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. بخش ابزاری یا سخت‌افزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. اما بخش حقیقی یا نرم‌افزاری، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف و... همه‌ی پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته است.» این سخنان رهبر معظم انقلاب در سال ۹۱ در دیدار با جوانان بیش از پیش بر مساله سبک زندگی تاکید دارد و بر آن شدیم تا در این یادداشت، نگاهی اجمالی بر تعریف، شاخص‌ها و راهکارها در سبک زندگی بپردازیم.

• سبک زندگی چیست؟

«سبک زندگی» پدیده جوان و نوظهوری است که کمتر از نیم قرن از عمر آن نمی‌گذرد. سبک زندگی شامل مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی است، اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است و برماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیت، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است.

سازمان بهداشت جهانی، سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: اصطلاح سبک زندگی به روش

* تاثیر سبک زندگی غربی بر جامعه ایران

در ایران نیز گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، حضور زنان در عرصه های اجتماعی و گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی سبب تغییر در ارزش ها و نگرش های ایرانیان شده است و از این رو ارزش های فرهنگی ایرانیان یا در حال شکل گیری و یا در حال بازتولید هستند. در این میان، جوانان بیشتر در معرض تاثیرپذیری از جریانات و فرایندهای تغییر هستند و با توجه به مقتضیات ویژه ای این دوره، آمادگی بیشتری برای همراه شدن و پذیرفتن هنجارها و ارزش ها و نگرش های جدید و متفاوت از نسل های پیشین را دارند. می دانیم که سبک زندگی، شامل اموری است که به زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می شود. این اموری شامل بینش ها (ادراک ها و اعتقادات) و گرایش ها (ارزش ها، تمایلات و ترجیحات) که اموری ذهنی و یا رفتار درونی هستند و همچنین رفتارهای بیرونی (اعم از اعمال هوشیارانه و غیر هوشیارانه حالات و وضعیت های جسمی) و موقعیت های اجتماعی هستند.

در سال های اخیر این سه سطح از سبک زندگی در حوزه های مختلف تحت تاثیر رسانه های مختلف اینترنت، نظام آموزشی و تبدلات فرهنگی با غرب تغییر یافته و یا همچنان در حال تغییر است. از جمله مهم ترین حوزه ها می توان به حوزه مصرف، حوزه اوقات مختلف زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی اشاره کرد.

دانشگاههای ما هم به شکل غربی و سبک زندگی مبتنی بر رفاه عام و آرامش و آسایش عمومی مبتنی بر مدرنیسم را پرداخته اند. این نوع سبک زندگی، مبتنی بر پیشرفت های صنعتی و الکترونیکی و ارتباطی در غرب است که در خود غرب هم فلسفه زندگی آنها را تغییر داده به نوعی که می توان گفت که بالارفتن سن ازدواج و عدم تمایل به داشتن همسر و از طرف دیگر گرایش به تنوع طلبی در همه امور از استفاده از وسایل مادی گرفته تا نوع گرایش به ارزش های غیرمادی مبتنی بر سبک زندگی غربی است. به گونه ای که می توان گفت که مدرنیسم نه تنها به تغییرات در اشکال زندگی مادی آنها پرداخته حتی ذائقه فرهنگی آن ها را تغییر داده و آنها در موسیقی، در رفاه، در نوع نگاه به دیگران نیز تفاوت های اساسی با انسان های شرقی پیدا کرده که ریشه در فلسفه آن ها به زندگی دارد.

* راهکار

باوجود آنکه اسلام، بهترین نوع سبک زندگی را برای همگان معرفی کرده است، سبکی که اگر در زندگی پیاده شود، سعادت دنیا و آخرت برای فرد تضمین شده است، اما شوریختانه شاهدیم که امروزه در جامعه ایرانی سبک زندگی اسلامی با تمام ابعاد آن در حیطه نظری باقی مانده و به حیطه عملی چندان راهی پیدا نکرده است. به دیگر سخن، بین آنچه شایسته است و در منابع اسلامی آمده با آنچه در میان ما مسلمانان در حال حاضر رواج دارد، فاصله بسیار است.

داشتن شیوهی زندگی اسلامی، بستر ساز تمدن نوین اسلامی و پیشرفت همه جانبه است، رسیدن به این شیوهی زندگی و عمل به آن اهمیت خود را بهتر می نمایاند. یکی از عوامل بسیار مؤثر بر شیوه و

مشی زندگی، تربیت فردی و اجتماعی است. نقطه ی عطف تربیت یک انسان در دوران کودکی او شکل می گیرد.

فرهنگ ایرانی اسلامی ما فرهنگ جمع گراییانه است. باید این فرهنگ و بعضی سنت های آن دوباره اعاده شود. یکی از این سنت ها، فرهنگ «سفره» است؛ این که همه ی اعضای خانواده کنار هم می نشینند و غذا می خورند و با هم ارتباط چشمی و کلامی برقرار می کنند. پس باید ذائقه ی مردم از فردگرایی به جمع گرایی سوق داده شود.

تحقق الگوی سبک زندگی اسلامی راهکاری موثر و کارآمد برای مقابله با ارزشهای غرب در جوامع مختلف اسلامی و به ویژه در ایران است. رهبر معظم انقلاب با طرح این موضوع در این زمینه فرمودند: «راهبرد مقابله با هجمه فرهنگ غرب، الگوی ایرانی اسلامی است.»

در حقیقت الگوهای اسلامی با توجه به فرهنگ های خاص ملت ها یک جنبه بومی نیز پیدا می کنند. مکتب اسلام از آغاز زندگی انسان و بعد از آن دستوراتی داده تا سلامت، رفاه و آرامش برای انسان در این دنیا به ارمان بیاورد و هم چنین فرد بتواند با بندگی خداوند در جهان آخرت سعادت خود را رقم زند. اسلام در جنبه فردی زندگی انسان مانند مسکن، خوراک، پوشاک رهنمود دارد. بزرگان دینی

سبک زندگی اسلامی	سبک زندگی غربی
جهان بینی الهی	جهان بینی مادی
خداگرایی	انسان گرایی
توجه به ظاهر و باطن	توجه به ظاهر
جمع گرایی	فرد گرایی
تقرب الهی	کسب لذات مادی
قناعت و صرفه جویی	اسراف و مصرف گرایی
ساده رستی	تجمل گرایی
آزادی یا قیدبند	آزادی بی قیدبند
تشکیل خانواده و تعهد به خانواده	بی قیدی نسبت به خانواده
افزایش کرامت و ارزش زن	استفاده از زن به عنوان ابزار و کالا
حفظ عفت و تقویت حیا در جامعه	بی عفتی و بی بندوباری

ما ائمه (علیه السلام) توصیه هایی در این زمینه ها فرموده اند. لذا زندگی به سبک اسلامی باید در تمام بخش های مختلف زندگی جاری و حاکم شود. با توجه به فرهنگ ها و عادت های مختلفی که در کشور وجود دارد، برخی از این ویژگی ها از نظر اسلام پذیرفتنی بوده است و نه فقط نكوهش نشده بلکه آن امر مستحب و پسندیده دانسته شده است. فرهنگ اسلامی ما فرهنگی به هم تنیده و ریشه دار است، سبک زندگی خانواده های ایرانی و مسلمان تأثیر گرفته از فرهنگ ایرانی مانند صله رحم، مهمان پذیری و مهمان دوستی است. شاخصه هایی مانند صفا، سادگی، صمیمیت، مهرورزی، ساده بستی، قناعت، آرامش روحی، معنویت گرایی، آرمان خواهی و سلحشوری از ویژگی های سبک زندگی اسلامی می باشد باید با حفظ و تقویت این الگوهای اسلامی برای جنبه های مختلف زندگی انسان برنامه ریزی شود.

بایستی تکیه بر باورها و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی داشته باشیم و با کمی خودباوری، فرهنگ و آداب و رسوم و سبک زندگی متعالی ایرانیان مسلمان بی شک می تواند، در مقابل الگوی شیطانی غرب، توجه اقوام و ملل ستم دیده و مظلوم را به خود جلب کند و بر اساس تاریخ چند هزار ساله ی خود به جنگ خرده مکتب پروسودایی به نام لیبرال دمکراسی غربی، آن هم از نوع آمریکایی- صهیونیستی اش برود.

چاره مصرف گرایی؛ نه زیاده روی، نه ممنوعیت!

گزارش محمد باقری- دانشجوی کارشناسی عمران

سخن از آسیب های مصرف گرایی که می شود، ابتدا ذهن ها به سمت ساده زیستی و مفاهیم این چینی که سالهاست برای ما از تریبون های مختلف گفته شده است، سوق پیدا می کند. قشر متوسط و برخوردار در کشور ما خیلی تمایلی به توجه به این مقوله مهم را ندارند، در حالی که این مسئله نه تنها برای ما و برای عموم کشورهای در حال توسعه موضوع مهم و قابل توجه می باشد. مصرف گرایی یعنی تمایل به داشتن کالاها و خدمات زیاد به گونه ای که بیشتر از نیاز شما باشد و البته ممکن است افراد توانایی داشتن آنها را نداشته باشند اما در جامعه ی او، این کالا ها و خدمات نشان دهنده ی منزلت و ارزش فردی است. در جامعه مصرف گرا ثروت تبدیل به ارزش شده و طبقه ثروتمند به نمایش هرچه تمام تر آن می پردازند؛ اما طبقه متوسط که اکثر جامعه را تشکیل می دهند تمام تلاش خود را می کنند تا خود را شبیه ثروتمندان نشان دهند و مانند آنها رفتار کنند. مصرف گرایی موجب تقویت احساس کمبود در افراد می شود و شکاف طبقاتی را بیشتر می کند. حال در چنین جامعه ای همه افراد خوشبختی را در گرو پولدار بودن و داشتن شرایطی مثل افراد ثروتمند جامعه می دانند فلذا این افراد به سمت پول درآوردن از هر راهی و داشتن ظاهری زیبا به هر شکلی که ممکن باشد، می روند. اما امروز تبلیغات دشمنان خارجی ما از یک سو و همچنین سو، مدیریت های داخلی از سوی دیگر بر این اتفاق دامن زده است.

نمی توان گفت که مصرف نکردن نشان دهنده ی یک زندگی خوب است بلکه راه حل صحیح، درست مصرف کردن و به اندازه مصرف کردن است و باید اساساً نگاه جامعه به این که تنها راه متشخص نشان دادن افراد؛ مصرف کردن، مدگرا بودن و روش های به دور از عقلانیت و منطق است؛ تغییر کند و همچنین مسئولین هم به وسیله سر و سامان دادن به اوضاع بد اقتصادی در کشور، کنار گذاشتن افراد دارای رن خوب و بی تخصص از ارکان مدیریتی، پرهیز از مدیریت های خانوادگی و استفاده از متخصصان در این امور در پی اصلاح این فرهنگ غلط در جامعه باشند.

دو زیرک خوانده ام کاندردیاری

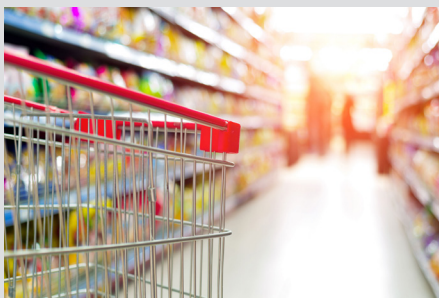
رسیدند از قضا بر چشمه ساری

یکی کم خورد کاین جان می گزاید

یکی پر خورد کاین جان می فزاید

چو بر حد عدالت ره بر نبردند

ز محرومی و سیری هر دو مردند



همسر آینده خود، تصمیم قطعی بگیرند و حتی گاهی ساعتی قبل از مراسم خواستگاری یا چند روزمانده به مراسم عقد، قول و قرارها را زیر پا می گذارند و حاضر به ازدواج نمی شوند. وسواس در انتخاب همسر، تقریباً هیچ گاه موجب انتخاب بهتر و مناسبتر نمی شود و تنها سالیانی از عمر دختر یا پسر را هدر می دهد و روحیه ی آن ها را با اندوه و حسرت و افسردگی و بدبینی همراه می سازد.

چهار. فراهم بودن زمینه ارضای نیاز جنسی در بیرون از چارچوب خانواده
بین فرار از ازدواج و انحرافات اخلاقی، رابطه ای دوسویه وجود دارد. برخی پژوهش ها نشان می دهند که روابط آزاد بین دختر و پسر و امکان ارضای جنسی در بیرون از چارچوب خانواده (چه به صورت مشروع و چه نامشروع)، نیاز به ازدواج را در جوانان، کمرنگ کرده است. برخی جوانان برای ارضای غرایز طبیعی خود، به ارتباط آزاد با جنس مخالف، بسنده می کنند و چون این گونه روابط، مسئولیت چندانی بر عهده فرد نمی گذارد، خود زمینه ساز فرار دختران و پسران از ازدواج می شود. ازدواج کردن در زمان مناسب و بدون سختگیری و وسواس، پیشنهاد عقل، دین و حتی دانش جدید است.

پنج. اعتقاد به داشتن زندگی آزاد
برخی از جوانان، بر این باورند که ازدواج، باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته ها و نیازهای آنان می شود و از این رو، ترجیح می دهند که به شکل آزاد زندگی کنند. شاید بیشتر افرادی که ازدواج را عمل محدودکننده ی آزادی های فردی می دانند، فلسفه و حقیقت ازدواج را به خوبی درک نکرده و طرفدار آزادی به معنای غربی آن باشند و از این رو، حاضر نمی شوند که ازدواج کنند.

فرجام سخن

فرار از قانون طبیعت، ممکن نیست و غریزه و فطرت را نیز نمی توان سرکوب کرد. به علاوه، میل فطری انسان به زندگی مشترک و داشتن فرزند، برای همیشه، قابل سرکوب کردن نیست. جوامع غربی که امروزه با پیری جمعیت و عدم تمایل جوانان به ازدواج مواجه اند، از طرق دیگری همچون پذیرش مهاجران خارجی، سعی در جوان نگه داشتن جامعه خود دارند. به علاوه، در این جوامع، زنان و مردان میانسال، بدون ازدواج، از طریق پذیرفتن فرزند خوانده ها، سعی در تشکیل خانواده دارند. دو پدیده غیراخلاقی خریدن کودکان جهان سوم و قاچاق آنها به غرب و نیز زندگی کردن زن و مرد در زیر یک سقف و بدون عقد ازدواج، از دیگر تبعات کاهش ازدواج در جوامع غربی و بالا رفتن سن ازدواج در این جوامع و طبعاً بی فرزند ماندن زوجین است.

منبع: مجله حدیث زندگی



علل فرار جوانان از ازدواج

گزارش: حمید رضا کاربین - دانشجوی کارشناسی عمران

خانواده، کوچک ترین واحد اجتماع و متشکل از مرد و زنی است که بر پایه سلسله ای از باورها و ارزش ها، از طریق قرارداد «ازدواج» به سرمایه گذاری مشترک عاطفی معنوی پرداخته اند. اما در دنیای امروز با توجه اتفاقات جامعه باعث شده است که جوانان از این امر مقدس دوری کنند. صاد به صورت اجمالی، علل فرار جوانان از ازدواج را بررسی می کند.

مورد مهریه، گرایش برتر جامعه، موافقت با تعیین مهریه است اما اغلب خانواده های دختران، مهریه بالایی را پیشنهاد می کنند که معقول و منطقی نیست و معمولاً یک جوان یا حتی یک فرد میانسال شاغل در ایران، با چند سال پس انداز کردن تمامی درآمد خویش هم به سختی از عهده پرداخت آن برمی آید. تا چندی قبل، زندگی بسیاری از زوجهای جوان، در کنار پدر و مادر پسر آغاز می شد اما امروزه، تشکیل یک زندگی باید در محل جدیدی باشد و همین موضوع، توقع دختران را از پسر، برای داشتن توانایی و قدرت اقتصادی، افزایش می دهد و تأمین مالی، اشتغال و نوع شغل پسران را حائز اهمیت می کند.

دو. ادامه تحصیل و تحول در موقعیت زنان
یکی دیگر از عواملی که موجب فرار جوانان از ازدواج شده است، گرایش به ادامه تحصیل در بین جوانان است. در جامعه امروز ایران، اغلب پسران و دختران، علاقه دارند که تحصیلات خود را ادامه دهند و برداشت بسیاری از آنان این است که ازدواج، فرصت ادامه تحصیل را از آن ها سلب میکند. به ویژه تحول موقعیت اجتماعی زنان و گرایش آن ها به تحصیلات عالی، موجب شده که در امر ازدواج جوانان، تأخیر رخ دهد.

سه. وسواس بیش از حد در انتخاب همسر
یکی دیگر از عوامل گریز جوانان از ازدواج، وسواس و احتیاط بیش از اندازه دختر و پسر، در مورد همسر آینده است. افرادی که بیش از اندازه، در این زمینه وسواس به خرج می دهند، نمی توانند در مورد ازدواج و انتخاب

نگرش افراد به ازدواج، به عنوان یک واقعیت اجتماعی، تحت تأثیر فرهنگ و نقش و موقعیتی است که فرد، در آن زندگی می کند.
از طرف دیگر، مسئله مشکلات و موانع ازدواج از یک سو و آرزوها، ایده آل ها و تصویری که دختران و پسران از آینده و زندگی مشترک خود دارند، از سوی دیگر، موجب شده است که جوانان، به آسانی، تن به ازدواج ندهند و به عبارت دیگر، از آن بگریزند. عوامل بسیاری در این زمینه مؤثرند که برخی از آنها واقعی و برخی دیگر ساخته و پرداخته ذهنیات فرد هستند. این عوامل، عبارت اند از:

یک. تحوّل در الگوهای رفتاری
در دهه های اخیر، در الگوهای رفتاری خانواده ها، تحول جدی ای به وجود آمده است. تغییر در الگوی مصرف، نوع پوشاک، مسکن، سطح انتظارات خانواده ها و توجه به آراسته بودن ظاهری، موجب گردیده است که مفهوم زندگی، به طور کلی دگرگون شود. امروزه رفاه، از مهمترین مسائلی است که خانواده ها توجه بیشتری به آن مبذول میدارند. بسیاری از جوانان می اندیشند که تأمین هزینه های گزاف عقد و عروسی، تهیه منزل و پرداخت اجاره خانه، بسیار سخت است و از آن جا که نمی توان از عهده مخارج آینده زندگی برآمد، بر خلاف میل باطنی، از ازدواج می گریزند. در پژوهش آماری صورت گرفته از میان دانشجویان، بسیاری از آنان، مشکلات مالی را از موانع ازدواج ذکر کرده اند و متأسفانه تعداد این قبیل افراد، نسبتاً زیاد است. امروزه با توجه به تغییرات کیفی صورت گرفته در امر ازدواج، در



یادداشت

تشکیسم

یادداشت

پانزده اصل در کار گروهی

مزارش

ویژگی تشکیلات نمونه

نقد

اشکال کجاست؟

فرهنگ

تشکیسم

یادداشت حمید صیفوری - دانشجوی کارشناسی عمران

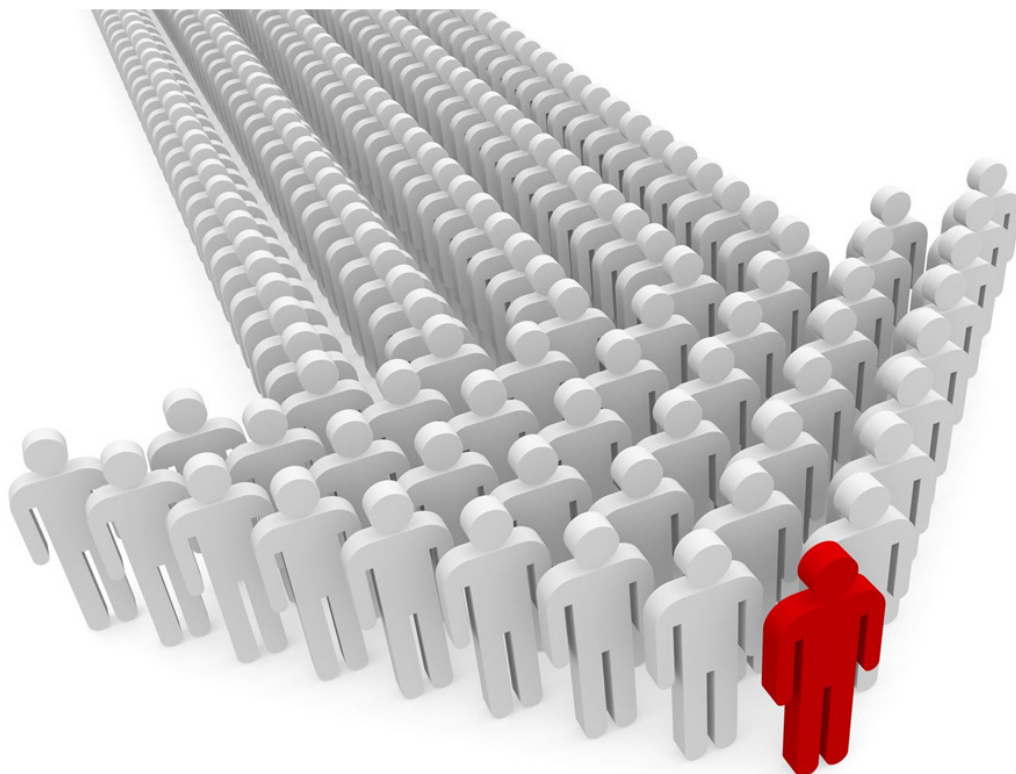
آنجا نمی روی و آب نمی نوشی تا از تشنگی نمیری؟ سوال بعد این که شاید به این حرف که می زنی یقین نداری و چندین سوال دیگر که الان در ذهن من و شماست... اما چه زمانی حرف او قابل پذیرش است؛ زمانی که خودش هم با سرعت و با امید به سمت چشمه حرکت کند؛ بعد به شما بگوید: اگر تشنه ای با من بیا جلوتر چشمه آب گوارایی است. امروز عموم دانشجویان در دانشگاه ها تشنه شنیدن سخن حق هستند اما چرا با این پشتوانه منطقی و عقلی اصول و ارزش های ما باز هم مقام معظم رهبری فرمودند مخاطبان شما کم هستند. یکی از دلایل عمده این است که تا زمانی که لیوان فهم ما از گفتمان های انقلاب، آرمان ها، ارزش ها پر نشود، سرریزی برای دیگران نخواهد داشت. گاهی تشکیلات ها راه درست را همچون فردی که در ابتدای مسیر نشسته بود، به دانشجویان نشان می دهند اما این نوع راهنمایی برای دانشجو که اهل استدلال و بحث و جدل است، قابل پذیرش نخواهد بود. لکن به نظر می رسد ما ابتدا از مجموعه داخل تشکیلات ها باید شروع کنیم به آگاهی دادن، به عمل کردن و به بنیان سازی کردن. آن وقت است که سرریز فهم و درک تشکیلات های دانشجویی، دانشجویان را جذب خواهد کرد.

- (۱) کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن - صفحه ۹۱
(۲) همان - صفحه ۹۲
(۳) همان - صفحه ۹

قرآن هم ایمانی که مقلدانه و بخاطر آنچه از پدر و مادر به ما رسیده باشد را نمی پذیرد. در صحبت از کافران و مرتجعان است و چون به آنها گفته شد که به سوی آنچه خدا فرستاده است بیایید و به سوی پیامبر بیایید و آنچه را خدا فرستاده و پیامبر می آموزد، بیازمایید و بفهمید و در جواب می گویند: راه و رسمی که پدران خود را بر آن آموختیم، ما را بس. قرآن در جواب می فرماید: هر چند پدرانشان چیزی نمی دانند و هدایت نمی شوند. لذا وقتی قرآن می فرماید این افراد (لایهتدون) هدایت نمی شوند پس بنظر می رسد ایمان از روی آگاهی و ایمانی که مبانی اندیشه ای مستحکم و قوی داشته باشد بسیار به هدایت نزدیک تر است تا ایمان مقلدانه و متعصبانه. خب این از ایمان که مهمترین مساله زندگی است؛ باید اینگونه باشد.

مقام معظم رهبری در دیدار رضانی دانشجویان فرمودند: «معنویت که البته معنویت برخاسته از ایمان است از اقتصاد مقاومتی، الگوی پیشرفت و سبک زندگی و از همه چیز مهم تر است.» اما وجه تشابهی دارد این ایمان از روی آگاهی و یا ایمان مقلدانه و متعصبانه با کارهای تشکیلاتی و فرهنگی دانشجویان و مسئولین این امر در دانشگاه ها... تصور کنید کسی ابتدای یک مسیری نشسته و تشنه است، بعد به شما هم که تشنه اید می گوید که مقداری جلوتر برو، آنجا یک چشمه آب گوارایی است از آن بنوشید. اولین سوالی که به ذهن می رسد این است که اگر تو می دانی مقداری جلوتر چشمه آب است برای چه خودت به

آن ایمانی که در اسلام ارزش دارد، ایمان مقلدانه و متعصبانه نیست. دلیل آن است که ایمان وقتی از روی تقلید و تعصب بود و اینگونه به راحتی به دست آمده بود، زائل شدن اش هم به آسانی کسب خود ایمان تقلیدی، آسان است. [۱] ایمانی که از روی احساس بوده از روی احساس هم از بین می رود. شما تصور کنید که کسانی در مقابل امام حسین علیه السلام قرار گرفتند، برای خودشان در روز عاشورا نماز برگزار کردند. خب این یعنی چه؟ آن زمانی که ولی، معصوم بود و مردم هم مثل مردم ما این چنین در معرض تبلیغ و تهاجم گسترده و جنگ نرم پیچیده، نبودند؛ نتیجه شد عاشورا. نتیجه شد آن که امام معصوم و فرزند پیغمبر را با آن وضع فجیع در صحرای کربلا... یا چند روز بعد از ارتحال پیامبر با تنها دخت پیامبر چه کردند؟! مگر اینها قبلا به پیامبر گرامی اسلام ایمان نیاورده بودند! چه تضمینی وجود دارد که ما با ولی خود اینگونه رفتارها را در آینده انجام ندهیم! گاهی آتش فتنه افروزی ها را همراهان امام و ولایت روشن می کنند، که این امر باعث این میشود که مردم به اشتباه بیفتند. ایمان ارزشمند، ایمان آگاهانه است، ایمان توام با درک و شعور است، ایمانی که از روی بصیرت و با چشم باز و بدون از ترس از اشکال باشد. [۲] راهش این است تا خوب مایه ی آگاهی در مغزها و دل ها و ذکر ها بوجود بیاید و با آن آگاهی یک ایمان صحیح و مستحکم، یک بتون آرمه در دل او بنا شود؛ آنوقت با توپ شریپل هم زائل شدنی نیست. [۳] البته





۱۵ اصل در کار گروهی

یادداشت میثم تاج آبادی - دانشجوی کارشناسی عمران

شما بدون بازیکنان بزرگ نمی توانید یک تیم بزرگ را بسازید. این حقیقت است. همانطور که این گفته مشهور می گوید: می توانید با بازیکنان خوب ببازید ولی نمی توانید بدون آنها ببرید.

اصل اول: مشارکت و همکاری

در چالش های بزرگ نیاز به کار گروهی گسترده است و بیشترین نیاز در چالش های بزرگ برای هر تیم مشارکت اعضا تیم است. یک عضو مشارکت پذیر، هم گروهی هایش را به عنوان شریک می بیند نه به عنوان رقیب، حامی گروهی هایش است نه بدگمان آن ها، روی گروه تمرکز دارد نه روی خودش.

اصل دوم: تعهد

بسیاری از مردم تعهد را با احساسات شخصی خود مرتبط می کنند. اول باید راه درست را احساس کنند بعد خود را وقف آن کنند. اما تعهد واقعی احساس نیست بلکه یک ویژگی شخصیتی است که برای رسیدن به موفقیت لازم است. احساسات مردم دستخوش تغییرات خواهد شد اما تعهد باید به صلابت سنگ باشد. هر عضو گروه برای متعهد شدن باید بداند که تعهد، ارتباطی به استعداد ها و توانایی ها ندارد. تعهد وقتی برپایه ارزشها باشد دوام می آورد.

اصل سوم: شایستگی

گاهی اوقات کلمه شایستگی به معنای به ندرت مناسب بکار می رود اما منظور از شایستگی اصولی ترین معنی آن یعنی کاملاً واجد شرایط و مناسب بودن است و اعضای شایسته گروه کسانی هستند که برای انجام دادن آن کار کاملاً واجد شرایط هستند. افراد با شایستگی بالا متعهد هستند که ممتاز باشند، هیچ وقت حد وسط را قبول نمی کنند، آنها به جزئیات توجه می کنند.

اصل چهارم: منضبط بودن

انضباط پرداخت بهای چیزهای کوچک است تا آنجا که بتوانید چیز بزرگتری را بخرید همان طور که هیچ فردی بدون انضباط موفق نمی شود هیچ گروهی هم نمی تواند موفق شود. به همین دلیل هر گروهی نیازمند بازیکن های منضبط است.

اصل پنجم: ارتقای دیگران

اعضای گروه همیشه عضوی که قادر است آنها را کمک کند تا به سطح بالاتری ارتقا پیدا یابند دوست داشته و تحسین می کنند.

اصل ششم: اشتیاق

وقتی افراد مشتاق درون گروه باشند این اشتیاق به همه ی اعضا نیرو می بخشد. چارلز شواب در این مورد میگوید: مردم در هر کاری که اشتیاق دارند موفق می شوند.

اصل هفتم: هدفمند بودن

هدفمند بودن یعنی با هدف کار کردن و هر عملی را با حساب انجام دادن است. هوشیاری نسبت به هدف با هدفمند بودن فرق دارد هدفمند بودن یعنی تمرکز روی انجام کارهای

خود هر کاری را می کنند و زمانی که به هدف خود رسیدند دست از تلاش برمی دارند و یا حتی قبل از رسیدن به هدف خود خسته شده و دست از تلاش و مبارزه می کشند. در واقع شما باید به دنبال آمادگی باشید و برای رسیدن به آمادگی بدون توجه به شرایط کار کنید.

اصل سیزدهم: از خود گذشتگی

هرگاه اعضای گروه، گروه را بر خود مقدم دارند موفقیت گروه حتمی خواهد بود. اگر افراد گروه می خواهند از خود گذشتگی داشته باشند، بایستی سخاوت مند باشند و از خودشان وفاداری نشان بدهند.

اصل چهاردهم: راه حل گرا بودن

گروهی از مردم تنها مشکلات را می بینند ولی تنها افراد کمی هستند که اهداف پشت این مشکلات را می بینند و تاریخ هم همیشه موفقیت افراد گروه دوم را ثبت کرده است نوع زندگی افراد، شخصیت آنان و تربیت آنان می تواند بر راه حل گرا بودن آنان تاثیر بگذارد. افراد راه حل گرا دقت دارند که مشکلات به دیدگاه افراد بستگی دارد، تمام مشکلات قابل حل هستند.

اصل پانزدهم: پیگیری و سرسختی

پیگیر و سرسخت بودن یعنی اینکه با عزم راسخ کار کنید نه اینکه منتظر تقدیر باشید، وقتی که کار تمام میشود دست از کار بکشید نه وقتی که خسته می شوید.

نتیجه اینکه همان طور که همه ما می دانیم عدد یک حتی اگر به توان بی نهایت هم برسد باز هم یک است.

درست به صورت لحظه ای و روز به روز و سپس پیگیری آن ها به صورت مستمر است. افراد موفق هدفمند هستند و پراکنده و بی حساب کار نمی کنند.

افرادی که می خواهند هدفمند باشند در زندگی باید هدفی داشته باشند که ارزش زندگی کردن را داشته باشد، نقاط ضعف و قدرت خویش را بشناسند، بیاورند «نه» بگویند، خودشان را به موفقیت در دراز مدت متعهد کنند.

اصل نهم: آگاهی از وظایف

افرادی که نسبت به وظیفه خودشان آگاهی دارند دارای ۴ ویژگی می باشند. آن ها می دانند که گروهشان به کجا باید برسد. آن ها به رهبر گروه اجازه رهبری می دهند. آن ها موفقیت گروه را ارزشمندتر از موفقیت خود می دانند. آن ها هر کاری را برای انجام ماموریت گروه لازم است انجام می دهند.

اصل دهم: آمادگی

رمان نویس اسپانیایی زمانی گفت: کسی که آماده است نیمی از مبارزه را انجام داده است.

اصل یازدهم: مقاومت در برابر مشکلات

قطعا کسانی که برای رسیدن به هدفی تلاش می کنند، مشکلات بزرگ و کوچکی را هم در مقابل خود دارند؛ اما باید بدانند که فقط مقاومت و ایستایی در برابر مشکلات او را به موفقیت می رساند و ترسیدن و جا زدن، همان چیزی است که او را متوقف می کند. فلذا می توان گفت که مشکلات یا باعث پیشرفت ما می شوند یا باعث توقف ما.

اصل دوازدهم: اصلاح و بهبود خود

افراد زیادی هستند که برای رسیدن به هدف



۱۰ فرمان تشکیلاتی شهید بهشتی برای فعالین فرهنگی

تشکیلات نمونه

یادداشت داود بیات- دانشجوی کارشناسی عمران

شهید بهشتی از جمله افرادی بود که حتی سال‌ها پیش از انقلاب، به فکر کادرسازی و تربیت نیروهای انقلابی برای اداره جامعه مطابق با دستورالعمل‌های دینی بود و در این راه، افراد بسیاری را تربیت کرد. به مناسبت سالگرد این شهید عزیز که به فرموده امام خمینی (ره) به تنهایی یک امت بود، ۱۰ خصوصیاتی که از نظر ایشان برای فعالیت‌های تشکیلاتی حیاتی است، منتشر می‌شود تا مورد استفاده فعالان فرهنگی قرار گیرد.

در خودسازی فردی و جمعی انجمن هایتان باید طوری برنامه ریزی کنید که در صحنه خدمت به مردم بدرخشید؛ نه برای تعریف مردم بلکه برای خدا.

۳- ارتباط خود را قوی کنید؛ وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید بکوشند تا به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگتر شوند. وقتی که همه یک جا جمع هستید، احساس دلگرمی و قدر بیشتر می‌کنید.

۴- جذب عناصر جدید؛ گاهی دافعه خیلی قوی است اما جاذبه چندان قوی نیست. مسلمان، هم دافعه دارد و هم جاذبه. شما باید جاذبه تان زیاد باشد، باید کلامتان و رفتار تان چنان باشد که اطرافیان تان را یکی یکی جذب کنید. اصلاً باید برنامه داشته باشید برای جذب آن‌ها. مبادا فکر کنید که این‌هایی که با ما مخالف هستند دیگر کارشان خراب است و درست شدنی نیستند. خیر، انسان تغییر می‌کند. خیلی‌ها آدم‌های خوبی هستند، می‌لغزند و بد می‌شوند. خیلی‌ها آدم‌های بدی هستند و در اثر ارشاد و معاشرت خوب می‌شوند. تعالیم اسلام یادتان نرود. اسلام می‌گوید تا آخرین لحظات حیات، در توبه باز است.

۵- انضباط؛ هر کار دسته جمعی‌ای که انجام می‌

بهریستی بیان شده؛ اما انگار حرف‌هایی است که امروز برای ما گفته است.

برادرها و خواهرهایی که بار سنگین مسئولیت‌ها را بر دوش دارید و چشم‌ها در انتظار نتایج تلاش‌های به هم پیوسته‌ی شماست، خوش آمدید شما‌ها در اقلیت هستید و دیگر نمی‌خواهیم تعارف بکنیم که اقلیت نیستیم. شما اقلیت مؤمن می‌خواهید چه کار کنید؟ نظر ما‌ها این است که شما یک اقلیتی باشید که تکیه کنید بر:

۱- ایمان هرچه قوی‌تر به آرمان‌تان و به کارتان؛ نگذارید این ایمان در شما خدای ناکرده پژمرده و ضعیف شود. این ایمان باید روز به روز تقویت گردد.

۲- برنامه‌های عملی‌ای که در آن، تفوق و برتری کارکرد ساختار اسلامی و نیروهای مؤمن به چشم بخورد؛ باید به گونه‌ای باشد که خواهر مسلمان و برادر مسلمان ما که از یک هم سن و هم کلاسی و هم رتبه‌ی غیرمسلمان در مقام عمل دینی صالح‌تر است، در مقام عمل اجتماعی نیز سودمندتر باشد. اگر عمل شما به حال مردم سودمند واقع شود، ماندنی خواهید بود. سودمندی بیشتر ما باعث پیروزی ماست. به همین جهت

شهید بهشتی گفته بود: «ما برای این که بتوانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم، بی شک باید متشکل باشیم.»

رابطه‌های ایمانی، اعتقادی، علمی و دینی سازمان نیافته برای رسیدن به بخشی از اهداف و تحقق بخشیدن به قسمتی از مراحل یک انقلاب می‌تواند کافی باشد؛ ولی برای رسیدن به بخشی دیگر از اهداف و تحقق بخشیدن به آن قسمت دیگر از آرمان‌های یک انقلاب کافی نیست... ما هم چنان بر وجود یک تشکل پافشاری داریم؛ اما شرط آن این است که:

۱. تشکل باید پاسدار ارزش‌ها باشد، نه پاسدار خود، نگهبان ارزش‌ها باشد، نه نگهبان خود.

۲. تشکل سازنده باشد. باید آسان کننده‌ی خودسازی و کمکی به «سیر الی الله» برای شرکت کنندگان در این تشکل باشد. این بیان نیز مویدی بر ارزش ذاتی آموزش و توجه به رشد افراد و کمال است.

۳. شرط سوم، این که این تشکیلات باید به درد مردم بخورد، نه این که یک باری باشد بر دوش این جامعه. آن چه در ادامه می‌آید، ۱۰ توصیه‌ی شهید بهشتی است که حدود ۳۰ سال پیش در جمع انجمن‌های اسلامی سازمان

دهید باید همراه باشد با انضباط تشکیلاتی. بچه مسلمان ها به انضباط مقدار کمی بها می دهند. باید یک مقدار به انضباط بیشتر بها بدهیم. اما نظم فرعونى نه؛ زیرا نظم گاهى فرعونى و طاغوتى است. نظم ما باید الهى، سازنده و نورانى باشد.

۶- شناسایی و کشف استعدادها؛ کشف عناصر مدیر و مفید که بتوانند پست های کلیدی و موثر را با لیاقت اداره کنند. گاه ما یک فرد متدین و خوبی را می گذاریم رأس کاری ولی چون توانایی اش ضعیف است، اثر بدی می گذارد. شما باید مدیرهای مومن و متعهد ۱۰ سال آینده را هم کشف کنید و هم بسازید.

۷- معلوماتتان را ببرید بالا با مطالعات اسلامی، مطالعاتتان باید اسلامی باشد؛ فنی هم باید باشد. هر کدام از شما وظیفه ی شرعی تان است که در هفته یک مقدار روی رشته خاص خودتان مطالعه ی فنی کنید، طوری که کاردانی و کارایی فنی شما رو به افزایش پیگیر و مستمر باشد.

۸- شیوه های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یاد بگیرید؛ گاهی برادرها و خواهرها با جریان های مختلف می خواهند برخورد کوبنده داشته باشند اما طرز برخورد آن ها طوری است که در جامعه محکوم می شوند. شیوه های برخورد باید صحیح باشد. باید درباره این شیوه های برخورد بنشینید و تبادل نظر کنید.

۹- انتقاد از خویشان؛ آیا هیچ وقت دور هم جمع می شوید بگویند این یک هفته نقایص و عیب کارم این بود. این کار را می کنید یا خیر؟ خوب، شروع کنید هیچ اشکالی ندارد، برادر و خواهر مسلمان باید آینه ی یکدیگر باشند. آینه یکی از کارهایش این است که عیب های آدم را می گوید. بنابراین هر هفته ای، دو هفته ای، یک ساعت دور هم بنشینیم با روی باز و گشاده رویی هر کسی اول عیب های خودش را بگوید بعد آن هایی که جا می ماند دیگران بگویند، بعد هم عیب جمعمان را بگویند.

۱۰- امید کامل به آینده؛ هیچ مسلمانی حق یأس و ناامیدی ندارد. آدم هایی که ایمان به خدا ندارند آن هایی هستند که از گشایش آفرینی خدا در تنگناهای مایوس می شوند. انسان های مومن همیشه باید امیدوار باشند. آن قدر قرآن و اسلام به ما تعلیم می دهد که نه با یک غوره سردیتان بشود و نه با یک مویز گرمیتان.

شهید بهشتی مظلوم، نماد فعالیت های هدفمند و برنامه ریزی شده بوده و هست. مطمئناً رسیدن به چنین مرحله ای از کمال نیازمند تغییرات اساسی در سبک زندگی، رفتار و خلق و خوی می باشد که اساساً چنین مسیری فقط توسط اسلام عزیز ترسیم شده است تا بتواند آنچه که هدف خداوند باری تعالی هست را محقق کند. مطمئناً کار تشکیلاتی و رفتار تشکیلاتی داشتن یک تعریف و یک فرمول نیست بلکه یک مفهوم عمیق و گسترده است که در واقع باید در اعمال اندیشه و روح یک انسان به تعبیر قرآن کریم اقامه شود مثل نماز. از دیدار امام برگشت. توی فکر بود. امام خواب دیده بود عباس سوخته، به او گفته بود مواظب خودتان باشید. می گفت پرسیدم چرا؟ امام جواب داد آقای بهشتی شما عبای من هستید.

اشکال کجاست؟

یادداشت علی اصغر صحرایی - دانشجوی کارشناسی عمران

که فقر جدی در این زمینه احساس می شود و به همین نسبت در دانشگاهها و ... به نظر می رسد تنها راه برون رفت از این مشکلات فرهنگی استفاده از چهره های فرهنگی است که هم در این زمینه تخصص دارند و هم دغدغه.

در اینجا بیان نظر رهبر معظم انقلاب درباره وظایف مدیران هم خالی از لطف نیست: «به اعتقاد بنده سه بخش عمده مسئول وجود دارد، سه آمادگی و احساس مسئولیت: اول اینکه برای نفس کار و عمل آماده باشد. تنبلی و بی حالی و سهل انگاری و کار را به دست حوادث و قضا و قدر سپردن اولین بلایی است که ممکن است یک مدیر را از صلاحیت کافی و لازم ساقط کند. جدی بودن در کار، آرام نداشتن برای کار، احساس مسئولیت برای اصل اقدام و کار و وظیفه ای که بر عهده گرفته، بسیار مهم است. به همین جهت هم هست که اگر کسی واقعا احساس می کند که کفایت لازم برای این کار را ندارد، معلوم نیست که پذیرش آن کار مشروع باشد. چون قبول کار به معنای این است که تعهد کند و بپذیرد که این کار را به انجام برساند. این بدون کفایت و لیاقت امکانپذیر نیست. این، آن نکته ی اول در باب مدیر و مسئول است. به همان نحوی که سیاستهای کلی و برنامه های اساسی کشور آن را اقتضا می کند. اگر کشور سیاست مشخصی را در مقوله ای پذیرفته است کسی که اجرای بخشی از بخشهای کشور را می پذیرد باید آن را در همان جهت کار و به همان سمت و با همان هدف پیش ببرد و هدایت کند. ولو خود او آن سیاست را به طور کامل تثبیت نکرده باشد. اگر چه در صورتی که مجری آن سیاست را قبول نداشته باشد، معلوم نیست چقدر بتواند این کار را به درستی انجام دهد. ولی به هر حال آن که لازم و اساسی است این است که مدیر، مسئول یا وزیری که این مسئولیت را برعهده گرفته کار را در جهت آن سیاستهای پذیرفته شده که سیاستگذاران در هر بخش انجام داده اند پیش ببرند. این هم نکته ی دوم از ارکان یک مدیریت سالم. رکن سوم، حفظ طهارت و تقواست. حفظ پاکیزگی در عمل است. اجتناب از هرگونه - خدای ناکرده - اختلاط با اهداف غیر مشروع یا اهداف غیر مقبول و غیراخلاقی است. این، شأن سوم است. مدیر خوب، مدیری است که هر کاری را به عهده میگیرد، با رعایت اصول اخلاقی صحیح، انجام دهد.» (۱)

(۱) بیانات در مراسم تفهیم حکم ریاست جمهوری،

۱۲ مرداد ۱۳۷۲

گفت: ایران در تولید مدیران در زمره بهترین کشورهای جهان است در ادامه می گفت ایالات متحده آمریکا که سیستم فدرال دارد در هر گردش نخبگانش تنها ۳۰۰ مدیر می تواند تولید کند اما ایران تنها در یک دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی می تواند نزدیک به ۳۰۰ مدیر تولید کند. البته ایشان این را نکته مثبتی تلقی می کرد اما در اینجا یک سوال اساسی به ذهن متبادر می شود و آن اینکه تولید مدیری که نگاه سیستماتیک و نه برنامه ای جامع و تحول زا برای سازمان تابعه اش را دارد، چه فایده ای می تواند برای کشور داشته باشد؟ در ایران در هر دوره ریاست جمهوری شاهد تغییر بیش از نیمی از مدیران هستیم و این یعنی تغییر بیش از نیمی از برنامه های مدیران قبلی (در بهترین شکل) و به قول خودمان شخم زدن سازمان مربوطه! که این به نوبه خود ریسک زیادی هم به دنبال دارد زیرا در این میان ممکن است مدیرانی مثل آقای فرهنگ دولت اسبق را هم در پی داشته باشد! در عرصه فرهنگی هم دچار یک معضل هستیم، تولید بیش از اندازه مدیران باعث شده است که هیچ برنامه فرهنگی در کشور دوام نداشته باشد زیرا هر مدیری برآن است که در دوره مدیریت خود بتواند سیاهه هایی از عملکردش را تهیه کند که بعد از دوره مدیریت اش نگویند که هیچ کاری نکردی؟! البته اینکه تقریباً بسیاری از مدیران فرهنگی ما کار فرهنگی را نمی دانند هم بماند.

یکی از چهره های فرهنگی خاطره ای را تعریف می کرد که شبیه مشکلات امروز است. می گفت: «به یکی از دوستانم پیشنهاد مدیریت شد بعد از انتساب این بنده خدا، عده ای به سراغش آمدند که راهنمایی اش کنند که اگر ایشان کمی پول خرج کنند، آنها می توانند ایشان را با چاپ کردن چند جلد کتاب و کارهای دیگر برای پست وزارت آماده کنند!». یعنی اینکه مدیران ما نمی آیند که کار کنند بلکه اگر هم کاری می کنند برای این است که بمانند! و البته نکته خیلی مهمی که شاید همیشه مغفول می ماند این است که ما تعریف درستی از کار فرهنگی نداریم این موضوع باعث می شود که فرهنگ را فقط منحصر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدانیم و هرچه بی فرهنگی در کشور است را بر سر آن ها خراب کنیم در این زمینه نیاز به اصلاح و بازنگری در تعریف فرهنگ هم داریم تا که متوجه شویم فرهنگ مقوله ای است که اول از همه با آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد پرورشی و نه فقط آموزشی در ارتباط است



شروعی کوچک برای ترویج هدفی بزرگ



پشت پرده شبکه های ماهواره ای

گزارش مهدی عندلیبی-دانشجوی کارشناسی عمران

در حال حاضر بیشترین شبکه های ماهواره ای دنیا از کشور آمریکا مدیریت می شوند. ۹۰ درصد رسانه های آمریکایی هم دست صهیونیست ها است و اغلب برنامه های ماهواره ای در شبکه های فارسی زبان توسط صهیونیست ها اداره می شود. این که صهیونیست برای ما شبکه فارسی زبان با گرایش خانوادگی می سازد که صبح تا شب برای ما فیلم و سریال پخش می کند باید ما را به هوش آورد که چه اتفاقی افتاده است. آیا آنها دلشان برای ما سوخته است؟!

۱- رابرت مرداک کیست؟ غول رسانه ای و سرمایه دار یهودی الاصل آمریکایی- استرالیایی، متولد ۱۹۳۱ در ملبورن استرالیا است. پدرش سرکیث مرداک و مادرش یک یهودی ارتدوکس بود. مرداک در طول دوران فعالیت خود تاکنون توانسته است امپراتوری رسانه ای تشکیل دهد. حداقل ۶۰ شبکه تلویزیونی به ۱۳ زبان مختلف از جمله مؤسسه تلویزیونی فاکس و شبکه معروف فاکس نیوز، ۱۳۰ روزنامه و مجله معتبر مانند دیلی تلگراف، وال استریت ژورنال، تایمز، نیویورک پست، پرتیراژترین مجله انگلستان که یک مجله جنسی و مملو از تصاویر زنان برهنه، عمده ترین سهامدار کمپانی عظیم «نیوز کورپیشن» و ... را به راه انداخته است.

۴- فارسی وان: این شبکه یکی از صدها شبکه ماهواره ای رابرت مرداک، غول رسانه ای دنیا و میلیاردر اسرائیلی است. این شبکه در این مدت که تشکیل شده با دوبله فیلم ها و سریال هایی از کشورهای آمریکایی، جنوبی، ترکیه، کره جنوبی و ایالات متحده بسیار مورد استقبال زنان فارسی زبان قرار گرفته و سمی مهلک در جامعه ایرانی است. سریال های شبکه فارسی وان حول چهار محور زیر عمل می کنند:

- ۱- سبک زندگی غربی
- ۲- خیانت های جنسی
- ۳- عشق های مثلی

۴- رابطه ضعیف بین پدر و مادر و فرزندان
مقام معظم رهبری درباره ماهیت ماهواره ها می فرمایند: «عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست می کنند، نوار بد درست می کنند، حرف های بد درست می کنند، شعر بد می گویند، داستان بد می نویسند و همه اینها را داخل کشور بین نوجوانان و جوانان و مردم عادی پخش و منتشر می کنند و یا از طریق ماهواره، رواج می دهند. ماهواره واقعاً گنداب فساد است که تیرهای زهرآگین خود را به سمت ملتها و کشور ها هدف گیری می کند.» (بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵)

۲- شبکه زمزمه و مدیریت آن: مدیر آن سعد محسنی همراه خواهر و برادرانش هستند. وی شریک تجاری شرکت استار به مالکیت رابرت مرداک می باشد. او را رابرت مرداک افغانستان لقب داده اند. در میان ۱۰۰ شخصیت برتر و پرنفوذ سال ۲۰۱۱ سعد محسنی، ۳۵مین نفر پرنفوذ جهان شناخته شده است. در تمام لحظات این شبکه یک خبر مثبت از ایران، لبنان، سوریه، مصر و فلسطین و عراق وجود ندارد؛ اما در عوض اکثر اخبار درباره بریتانیا، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به صورت زنده به نمایش درآمده و همه اخبار هم مثبت است!

۳- بی بی سی فارسی و بازیگران آن: تنها شبکه ای است که از گزینه جمع گرایی توده ها، استفاده می کند. این شبکه ۸۵ درصد از کادر خود را از بین روزنامه نگاران روزنامه های موسم به اصلاحات انتخاب کرده است، همان کسانی که در NGO های دوره اصلاحات تربیت شدند. قاضی زاده سال ها در روزنامه های داخل ایران از جمله نشاط، جامعه روز، عصر آزادگان، اخبار اقتصاد، آفتاب امروز، هم میهن فعالیت کرده است و نفیسه کوهنورد نیز خبرنگار بی بی سی فارسی در استانبول، او در روزنامه های شرق، هم شهری، ایران، و شبکه سی ان ان ترک در تهران سابقه خبرنگاری داشته است.

تأملی بر سرویس جدید اینستاگرام

یادداشت مهمان | محسن عبدالهی خلج - دانشجوی ارشد مدیریت رسانه

سهل الوصولی به این تکنولوژی ها دسترسی دارند، در معرض بیشترین آسیب های اجتماعی هستند. باید افسوس خورد که جوانان و بزرگسالان هم دچار آسیب های ناشی از تلگرام و اینستاگرام هستند. افزایش سن ازدواج، عدم تمایل به ازدواج، افزایش آمار طلاق خصوصاً طلاق های عاطفی برخی از نتایج ناگوار استفاده از این شبکه ها می باشند. حال با توجه به سرویس جدید IGTV که در اینستاگرام فعال شده است زمینه برای ساخت محتوای مخرب و در اختیار قرار دادن آن توسط برهم زنندگان سبک زندگی اصیل با محوریت خانواده فراهم می شود. کاری که در گذشته مخاطب به سختی می توانست به آن دسترسی داشته باشد

این شرکت از رونمایی از سرویس جدید خود به نام IGTV خبر داد که در به روزرسانی های اخیر قابل دریافت است. با این سرویس جدید ویدیوهای ۶۰ دقیقه ای را به صورت آنلاین تماشا کرد. می توان ادعا کرد که این سرویس جدید رقیبی برای سرویس یوتیوب خواهد بود. یوتیوبی که دسترسی به آن در ایران ممنوع است در حالی که سرویس IGTV آزادانه بدون در نظر گرفتن آسیب های جدی آن بر مردم به خصوص کودکان و نوجوانان در اختیار همگان است.

می توان گفت یکی از غفلت های اصلی در محیط های آکادمیک و رسانه ای، عدم تحلیل اینستاگرام و تاثیر آن در تغییر سبک

در گذشته های نه چندان دور که خبری از گوشی هوشمند، اینترنت و شبکه های اجتماعی نبود، آرامش بیشتری بر روح و روان افراد در سنین مختلف حکم فرما بود، اما امروزه با وجود تکنولوژی های پیشرفته و ابزارهایی که به راحتی در دسترس عموم قرار دارد، جامعه به خصوص قشر نوجوان و جوان در معرض آسیب های اجتماعی حاصل از فضای مجازی است. با افزایش سرعت اینترنت و نفوذ بیشتر آن در بین افراد جامعه و رشد استفاده از شبکه های اجتماعی نسخه پیچی شده ی خارجی ها بدون در نظر گرفتن پیوست های فرهنگی، شاهد مشکلات عدیده ای در زمینه آسیب های اجتماعی و سبک زندگی هستیم. مشکلاتی که



ولی امروز به راحتی در اختیار او قرار می گیرد. در پایان باید پرسید که نظام جمهوری اسلامی در قبال این پدیده چگونه باید برخورد کند؟ آیا نباید مسئولین امر به فکر نقش حاکمیتی خود در این قضیه به دور از سیاسی کاری ها باشند؟ آیا محافل آکادمیک و دانشگاه های کشور نایستی به جای هضم شدن و فراموشی آن به فکر راه حلی اساسی برای این پدیده اجتماعی باشند؟ آیا نیاز به این نیست که علاوه بر تمرکز بر ایجاد پیام رسان های ایرانی به فکر ایجاد سرویس های بومی اشتراک گذاری عکس و ویدئو با استفاده از جوانان مستعد درون کشور باشیم؟ آیا تقویت مشابه های داخلی اینستاگرام همچون لنزور می تواند به جلوگیری از این گسترش آسیب های ناشی از اینستاگرام کمک کند؟

زندگی است. این گونه به نظر می رسد که از مسئولین رده بالای کشور گرفته تا به اندیشمندان جامعه شناسی و اساتید صاحب نظر در موضوع روانشناسی و علوم تربیتی تا فعالان فرهنگی و رسانه ای، حتی حوزویان توجهی به آثار مخرب اینستاگرام نمی شود، تا به آنجا که نوعی بی تفاوتی و خنثی بودن نسبت به تاثیرگذاری این شبکه اجتماعی را مشاهده می کنیم. بحث درباره تلگرام و فیلتر شدن آن به علت موضوعاتی همچون اقتصادی و فرهنگی داغ است اما اینستاگرام به مراتب آثار مخرب تری دارد. اگر کلان به قضیه بنگریم، به جای آن که تلگرام را از دسترس خارج شود، باید فیلتر اینستاگرام در اولویت می بود.

نسل سوم و چهارم یعنی کودکان و نوجوانان در ایران که به خاطر عدم کنترل لازم به صورت

بعضاً آشکار است و در اکثر موارد، پنهانی و به صورت زیرپوستی بعضی از فرهنگ ها و سبک زندگی ها را عوض کرده و خساراتی را به بار آورده است. یکی از این شبکه های اجتماعی که در ایران نیز طرفداران زیادی دارد، اینستاگرام است. از رونمایی اصلی این اپلیکیشن حدود ۸ سال می گذرد و با هدف به اشتراک گذاری عکس و ویدئو توانسته است، بیش از یک میلیارد کاربر در کل جهان را به خود جذب کند. ایران با ۲۴ میلیون کاربر در رده هفتم از نظر استفاده از این شبکه اجتماعی قرار گرفته است.

با توجه به استقبال کاربران سراسر جهان از جمله شهروندان آمریکایی، مدیران آن به فکر ارتقای سرویس های این برنامه افتادند تا به امروز که کاربران از Story و Live story بیشترین استفاده را دارند. اما چندی پیش،





مزارش

جریان علمی و جریان آرمانگرایی

اعتراض نامه

رویای دانشجوی امروز

داستانک

جوان و کار

دانشگاه

جریان علمی و جریان آرمانگرایی

گزارش محسن عبدالهی خلج - دانشجوی ارشد مدیریت رسانه

رهبر معظم انقلاب در سال ۸۷ در دیدار با دانشگاهیان دانشگاه علم و صنعت ضمن معرفی دانشگاه به عنوان مهم ترین زیرساخت پیشرفت و توسعه کشور، دانشگاه را محل تربیت مهم ترین سرمایه ی کشور یعنی نیروی انسانی می دانند. از همین روست که ایشان، از دانشگاه انتظار دارند که محل جوشش و اوج دو جریان حیاتی کشور: ۱- جریان علم و تحقیق و ۲- جریان آرمان گرایی ها و آرمان خواهی ها باشد. در این یادداشت به بررسی این دو جریان از منظر مقام معظم رهبری می پردازیم.

با پیروزی انقلاب اسلامی، دانشگاه و دانشگاهیان جایگاه مهم و اثرگذاری را در کشور و حتی در منطقه و جهان پیدا کردند. تا آن جا که امام خمینی (ره)، اصلاح مملکت را در اصلاح دانشگاه فرض می دانستند و رهبر معظم انقلاب نیز در طول رهبری داهیانۀ ی خود نگاه ویژه ای به دانشگاه، دانشجو و استاد داشته و دارند. ایشان در جمع دانشگاهیان دانشگاه علم و صنعت بیان داشتند که دانشگاه انقلاب اسلامی بایستی محل جوشش دو جریان عمده باشند: یکی جریان علم و تحقیق و دیگری جریان آرمان خواهی و آرمان گرایی.

جریان علم و تحقیق

پیشرفت علمی و پیگیری عقلانیت علمی کاری است که مطلوب اسلام و مورد تحریص اسلام است و به عنوان مسلمان وظیفه داریم که کار علمی تحقیقی و رسیدن به اوج علمی را تبدیل به یک جریان کنیم. رهبر معظم انقلاب نقش دانشجویان و به خصوص اساتید را تعیین کننده و اساسی می دانند و با اصرار بر کلیدواژه های جنبش نرم افزاری و تولید علم، مقدمات این جریان را چنین بیان می کنند: «یکی از این مقدمات، همین خودآگاهی ماست که احساس کنیم که «باید»؛ و احساس کنیم که «میتوانیم». یکی دیگر از مقدمات، تهیه ی نقشه ی علمی جامع کشور است که کشور از لحاظ تحصیل علم و طلب علوم مختلف دچار سردرگمی نباشد.» (۸۷/۰۹/۲۴)

لازمه ایجاد این جریان در دانشگاه ها،

بسترسازی و زمینه سازی است. آیت الله خامنه ای می فرمایند: «بسترسازی برای پرورش نخبگان، شناسایی استعدادهای نخبه، کمک به آنها در رفتن به سمت قله های علمی و تحقیقی؛ اینها همه کارهای بسیار مهمی است... بهتر این است که ما امکاناتی را برای همین نخبه فراهم کنیم، تا در خود کشور آنچه را که از نظر رشد و شکوفایی استعداد لازم دارد، مهیا شود: کارگاه داشته باشد، محیط مانور علمی و تحقیقی داشته باشد» (۸۳/۰۷/۰۵)

ایشان هدف جریان را رسیدن ایران به مرجعیت علمی در دنیا قرار می دهند. بدون شک مرجعیت علمی، با خود قدرت به همراه دارد. علت چنین هدف گذاری ای توسط رهبر انقلاب این چنین گفته می شود: «این قدرت قدرت اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی را چطور می به دست آوریم؟ پایه و مایه ی همه ی اینها، قدرت علمی است! یک ملت، با اقتدار علمی است که می تواند سخن خود را به گوش همه ی افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که میتواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال اینها به دست می آید؛ پول تابع تواناییهاست. امروز این طوری است؛ علم را میشود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این، جایگاه علم است.» (۸۴/۱۰/۲۹) و «اگر ایران اسلامی بتواند در زمینه ی علمی سخن خودش را در حد سخنان اول دنیا دریاورد، کار شدنی است؛ چون علم، ثروت هم ایجاد میکند، قدرت نظامی هم ایجاد میکند، اعتماد

به نفس هم ایجاد میکند. من بارها گفته ام، باز هم میگویم و باز هم تأکید خواهم کرد که پایه و زیربنای اقتدار آینده ی شما ملت عزیز در قدرت علمی است.» (۸۴/۰۷/۲۴)

ایشان به تلاش برای بی رغبتی برای ایجاد جریان علمی نیز اشاره می نمایند: «دانشگاهها را باید جدی گرفت؛ هم شما دانشجویها، هم اساتید. بدانید نقشه هایی وجود دارد برای این که دانشگاه های ما را از کار بپندازند. شما غصه می خورید که بودجه ی مراکز تحقیق را دیر می دهند؛ خیلی خوب، این را می شود جبران کرد؛ می شود دنبال کرد. کسانی تلاش و توطئه می کنند تا اصلاً در کلاسهای درس و کارگاه های تحقیق را ببندند و دانشجو را به علم و فراگیری بی رغبت کنند. با این توطئه باید مبارزه کرد. این مبارزه، هم به عهده ی دولت و مسؤولان است، هم به عهده ی شما تشکلهاست، هم به عهده ی عناصر صاحب نفوذ و صاحب اقتدار است.» (۸۴/۰۷/۲۴)

آیت الله خامنه ای کار جهادی را برای پیاده سازی چنین جریانی جهت رفع مشکلات جامعه بیان می کنند: «اگر چنانچه ما توانستیم در عرصه ی علمی، پیشرفت هایی را که تا امروز بحمدالله به دست آمده است، با همین سرعت دنبال کنیم، هم در زمینه ی مشکلات اقتصادی، هم در زمینه ی مشکلات سیاسی، هم در زمینه ی مسائل بین المللی، مطمئناً گره گشایی های بزرگی خواهد شد... من عقیده ام این است که کار علمی در دانشگاه و

در کشور باید جهادی باشد؛ کار علمی جهادی انجام بگیرد.» (۹۲/۵/۶)

جریان آرمان گرایی و آرمان خواهی

مقام معظم رهبری مسئله آرمان خواهی را با جنبش های دانشجویی یکسان می دانند و بر حضور دائم دانشگاهیان تاکید دارند: «این حرکت باید ادامه پیدا کند و این چیزی نیست که بتواند متوقف بشود؛ چون کشور در شرایطی است و نظام جمهوری اسلامی، ساخت و ویژگی ها و مختصاتی دارد که حتماً جنبش دانشجویی در کنارش بایستی حضور داشته باشد.» (۸۷/۰۹/۲۴)

ایشان آرمان های نظام اسلامی را مجموعه ای با مراتب مختلف معرفی می نمایند: «آرمان های نظام اسلامی یک منظومه ای است، یک مجموعه ای است، مراتب مختلفی هم دارد؛ بعضی از اینها اهداف غایی تر و نهایی ترند، بعضی ها اهداف کوتاه مدتند، اما جزو آرمان هاینده؛ همه ی اینها را باید دنبال

بیدار و زنده باشند؛ غفلت زده و خواب آلوده نباشند؛ کشور برخوردار از عدالت باشد؛ مبرای از فساد باشد؛ طبقه ی اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشد - چه اشراف سنتی، چه طبقه ی جدیدی که ممکن است اسمشان اشراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند و به قول آقایان از رانت های گوناگون اقتصادی استفاده کنند - برخوردار از قدرت و استحکام سیاسی باشد.» (۸۴/۲/۱۹)

ایشان مساله جریان آرمان خواهی و آرمان گرایی را خواسته ای طبیعی در دانشگاه و در محیط جوان برمی شمارند و اصرار دارند که مساله آرمان گرایی در دانشگاه ها زنده بماند. اما مساله مهم در آرمان گرایی نسبتش با واقع گرایی است؛ ایشان می فرمایند: «ما آرمان گرایی را صد درصد تأیید می کنیم، دیدن واقعیت ها را هم صد درصد تأیید می کنیم. آرمان گرایی بدون ملاحظه ی واقعیت ها، به خیال پردازی و توهم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصودی، یک آرمانی

برسید. نهضت آزادفکری ای که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است. تربیون های آزاد بگذارند و با هم بحث کنند.» (۹۲/۰۵/۰۶)

ایشان با برحذر داشتن از خشونت در آرمان خواهی، رابطه بین آرمان خواهی و مصلحت را این گونه تبیین می کنند: «مصلحت هم شده یک اسم منفور؛ آقا مصلحت گرایی می کنند! خوب، اصلاً باید ملاحظه ی مصلحت بشود. هیچ وقت نباید گفت که آقا حقیقت با مصلحت همیشه منافات دارد؛ نه، خود حقیقت یکی از مصلحت هاست، خود مصلحت هم یکی از حقایق است. اگر مصلحت اندیشی درست باشد، باید رعایت مصلحت را کرد؛ چرا نباید رعایت مصلحت را کرد؟ باید مصالح را دید... به طور خلاصه، آرمان گرایی یعنی پایبندی به ارزشها و اصول و آرمانها و تأثیر گذاری و تأثیرناپذیری از جهت مخالف و جبهه ی مخالف... هیچ منافاتی وجود ندارد بین انجام دادن وظائفی



تمام دیدگاه ها حول موضوع
ساد سبک زندگی را ذیل این
دو دیدگاه (جهان بینی مادی و
جهان بینی الهی) جمع آوری کرد.
دو دیدگاهی که در تضاد و تقابل با
یکدیگر هستند؛ به طوری که اثبات
و پذیرش یکی، ناخودآگاه مساوی و
ملازم با نفی دیگری خواهد بود.
چنان که مناقشه اصلی در دوران
جنگ سرد نیز تا اندازه زیادی
ناظر به تلاش ایالات متحده برای
نفوذ سبک زندگی آمریکایی به
جامعه شوروی بود. اکنون نیز سبک
زندگی غرب همچنان همان ادعا را
نسبت به سایر فرهنگ ها دارد.

که جوانی و آرمان گرایی به انسان دیکته می کند، و بین ملاحظه ی مصالح مدیریتی کشور، ملاحظه ی قانون، ملاحظه ی تدبیر و درایت مدیریتی در کشور. یعنی می توان آرمان گرا بود، به احساسات جوانی هم پاسخ داد و بر طبق اقتضای جوانی و آرمان گرایی عمل کرد؛ در عین حال جوری هم بود که با مصلحت کشور و با مصالح مدیریتی کشور تعارض و اصطکاکی نداشته باشد. بنابراین به نظر من توقع از مجموعه ی دانشجویی، جزو توقعات زیادی نیست؛ میتوان چنین توقعی را از دانشجویها داشت.» (۹۲/۰۵/۰۶)

حرکت می کنید، واقعیت های اطراف خودتان را باید بسنجید و بر طبق آن واقعیت ها برنامه ریزی کنید. بدون دیدن واقعیت های جامعه، تصور آرمان ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دستیابی به آرمانها... البته باید واقعیتها را به معنای واقعی کلمه دید، نه آنچه که به عنوان واقعیت القاء می شود. شما جوانها خیلی خوب می دانید؛ در جنگهای روانی که امروز در دنیا معمول است، یکی از کارها القای واقعیت های غیر واقعی است؛ چیزهایی را به عنوان واقعیت القاء می کنند که واقعیت ندارد؛ شایعه درست می کنند، حرف می زنند، که واقعیت نیست.» (۹۲/۰۵/۰۶)

لازمه ایجاد جریان آرمان گرایی، نهضت آزاد فکری است: «باید روی مسائل فکر کرد. عزیزان من! روی مسائل فکر کنید تا به نتیجه

کرد.» (۹۲/۵/۶)
آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) رسیدن به آرمان ها را دور از دسترس نمی دانند: «سلامت در جامعه، صنعت برتر، کشاورزی برتر، تجارت پر رونق، علم پیشرو، اینها همه اش جزو آرمان ها است. نفوذ فرهنگی در جهان، نفوذ سیاسی در جهان و در منظومه ی سیاسی سلطه در عالم، اینها همه اش جزو آرمان ها است. رسیدن به عدالت اجتماعی، جزو آرمان ها است. بنابراین وقتی می گوئیم آرمان، ذهن ما به یک امر غیر قابل تعریف دور از دسترس نمی نرود؛ آرمان یعنی این ها، این ها همه آرمان هاینده؛ البته در درجات مختلف.» (۹۲/۵/۶) ایشان آرمان گرایی جوان ایرانی را ترسیم آینده ای با خصوصیات زیر می دانند: «ما نظام و کشوری می خواهیم که پیشرفته باشد و مردم آن دانشمند و

رویای دانشجوی امروز

اعتراف نامه شایان جلیلی - دانشجوی کارشناسی عمران

جوان و کار

داستانک سعید اسدی - دانشجوی کارشناسی عمران

شب‌ی در بستر بودم و در حالی که چشمانم در خلسه خستگی شان، سرسره بازی می کردند ناگاه به خواب عمیقی فرو رفتم! از قضا در آن شب، خواب عجیبی دیدم و بر آن شدم که این خواب را به اصطلاح امروزی به اشتراک بگذارم تا شاید چندی لایک از نوع سازنده اش نصیبمان شود و دلمان خوش گردد!

در عالم خواب دیدم در مکتب خانه ای هستم و گویی به زمان های دور سفر کرده ام. هر چند نه ماشین زمانی در کار است و نه علمی برای ساختن ماشین زمان.

مکتب خانه ای شلوغ، با ساختمانی زیبا و طلاب علم و ناظمین و مسئولینی آشنا. داخل که شدم و مشغول واریسی ساختمان های مکتب خونه بودم، جوانی را دیدم غرولند زنان که بر دیواری تکیه داده بود. کنجکاوی امانم را برید و جلو رفتم و باب آشنایی باز کردم. از مکتب خانه می گفت...

می گفت مدت هاست منتظریم تا شاید مسئولین فکری به حال تداخل زمان کلاس حساب با عروض و قافیه بکنند! اصلاً می توانی تصور کنی که درسی را با هزار زحمت در انتخاب واحد برداری، بعد دو ماه بعد متوجه شوی که سیستم درست را حذف کرده اما تو هنوز کلاس های آن درس را شرکت می کنی یا درسی داریم که نیاز

به محل آزمایش دارد ولی وسایل و محلی برای این کار نداریم یا اینکه استاد نمره ی تو را اعلام می کند اما بعد از اعتراض تو متوجه می شود که برگه ات را اشتباه تصحیح کرده اما تغییر نمره اینقدر سخت است که استاد حلالیت می گیرد و تو هم مجبوری که حلالش کنی و نمره بدون تغییر می ماند! گفتم مگر من به زمان های دور نیامده ام؟! سیستم دیگر چیست؟! سایت دارید مگر؟! جوان با نگاهی عاقل اندر سفیه گفت در خواب هر چیزی امکان دارد و این همه مشکلات آموزشی فقط در خواب و آن هم در زمان های خیلی دور می تواند اتفاق بیفتد! اما اینها فقط مشکلات آموزشی است. مشکلات سلف، بوفه، قیمت و کیفیت غذاها، کمبود کتاب ها در کتابخانه، سرعت اینترنت، قیمت محل پارک مرکب هایمان، خاکی بودن محل پارک مرکب ها و ... تعریف این مشکلات خودش کلی خواب و رویای دیگر می خواهد!

با صدای اذان صبح بیدار شدم... کلی سوال بی جواب و جوانی که دلی پر داشت... و اینکه... مشکلات مکتب خانه ی خواب ما چقدر آشنا بود!



روزی روزگاری دانشجویی در رشته مدیریت تحصیل می کرد. سرش توی تلگرامش بود (البته ببخشید تلگرام که فیلتر شده، سرش توی سروش بود) که ناگهان به خودش آمد و دید که فارغ التحصیل شده است. فارغ التحصیلی همانا و بدبختی همانا. به محض آنکه مدرک لیسانس خود را با معدل ۱۲ گرفت مردی با لباس رسمی به سمت وی آمده و از او دعوت به همکاری کرد. مرد صاحب شرکتی بود و از او خواست تا مدیر عامل شرکتش بشود. دانشجو با نهایت بی احترامی از درخواست او امتناع کرد و گفت: برو کشکت رو بساب عمو. کدوم دانشجویی رو دیدی که بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی کار کنه که من دومیش باشم. مرد: چیه نگران حق و حقوقی. نترس. فیش حقوقی مدیرا خیلی بالاست. دانشجو: کی حرف از حق و حقوق زد. من دارم میگم چرا شما مسئولین اینقدر به فکر ما جوونایید. بابا بذارید مهر مدرکمون خشک بشه بعد. ماهم آدمیم ربات که نیستیم.

مرد: یعنی چی؟ یعنی قبول نمی کنی؟ دانشجو: نه خیر. مرد: حالا که این طوریه کاری می کنم که کف بسته بری پشت میز مدیریت شرکت من بشینی. دانشجو: مثلاً چی کار می کنی؟ مرد: ازت شکایت می کنم. دانشجو: به چه جرمی؟

مرد: به جرم کار نکردن. من دارم ازت می خوام بیای و مدیر عامل شرکت من بشی اونوقت تو قبول نمی کنی. دیگه جرم از این بالاتر، می خوامی بیا آدمم بکش دیگه. دانشجو: هر کاری که دوست داری انجام بده بدبخت کی به حرفت گوش میده. این چیزا رو بگی میگن دیبونه شدی.

مرد: حالا می بینیم که من دیبونم یا تو. تو این مملکتی که کار ریخته من این کارو نکنم یکی دیگه این کارو میکنه. خلاصه دانشجوی بیچاره به جرم فارغ التحصیلی به ۳۰ سال کار در شرکت به عنوان مدیر عامل آن هم با فیش حقوقی بالا محکوم شد.

نتیجه: مواظب باشید که محکومتون نکنن.



رهبر انقلاب خطاب به فرزندان ایران در جام جهانی ۲۰۱۸:
شما پیروز و سرافراز برگشتید، آفرین، ان شاء الله موفق باشید.



طراحی حرفه ای، چاپ، تبلیغات

طراح و مجری تابلوهای تبلیغاتی

مهندس شاهوردی

۰۹۱۹ ۰۵۰ ۸۰ ۵۲

تمام دیدگاه‌ها حول موضوع سبک زندگی را می‌توان ذیل دو دیدگاه جهان‌بینی مادی و جهان‌بینی الهی جمع‌آوری کرد. دو دیدگاهی که در تضاد و تقابل با یکدیگر هستند؛ به‌طوری که اثبات و پذیرش یکی، ناخودآگاه مساوی و ملازم با نفی دیگری خواهد بود. چنان‌که مناقشه اصلی در دوران جنگ سرد نیز تا اندازه زیادی ناظر به تلاش ایالات متحده برای نفوذ سبک زندگی آمریکایی به جامعه شوروی بود. اکنون نیز سبک زندگی غرب همچنان همان ادعا را نسبت به سایر فرهنگ‌ها دارد. سبک زندگی اسلامی نیز با پیروزی انقلاب اسلامی بیش از پیش به دنبال پررنگ شدن در زندگی مسلمانان و حتی جهانیان است.



قم - پردیسان - دانشگاه آزاد اسلامی
کانون جوانان نو اندیش